

تبیین عوامل آینده‌ساز مؤثر بر حفظ و توسعه ظروف سفالین زرین فام کاشان (براساس مؤلفه‌های جیمز آلن دیتور)*

زهرا امانی**

مهناز شایسته‌فر***

ایروان سیا محمدیوسف****

سحر کوثری*****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

چکیده

با ورود اسلام، فرهنگ ایرانی از تجمل‌گرایی به ساده‌گرایی تغییر کرد؛ این تحول موجب توجه بیشتر به هنر سفالگری شد. این هنر با گذشت زمان از سادگی به اوج زیبایی به‌ویژه در تولید ظروف زرین‌فام رسید. در میان مراکز تولید زرین‌فام، شهر کاشان اهمیت ویژه‌ای داشته است. هدف پژوهش حاضر بررسی سفال زرین‌فام و ارائه راهکارهای مناسب برای حفظ و توسعه آن است. این پژوهش در پی این سؤال است که چه عواملی بر حفظ و توسعه ظروف سفالی زرین‌فام کاشان دخیل هستند؟ برای پاسخ به آن، از مؤلفه‌های جیمز آلن دیتور که مطالعاتش از آینده را در هم‌کنش چهار مؤلفه رویداد، روند، تصاویر و اقدام‌ها می‌داند، استفاده می‌شود. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد تکنیک زرین‌فام که نخستین نمونه‌های کاربرد آن به سده سوم هجری بازمی‌گردد، در پرتو خلاقیت و نوآوری سفالگران ایرانی در سده‌های میانه به اوج شکوفایی رسیده و با فرازوفرودهایی تا دوره‌های متأخر استمرار یافته است. بررسی آثار معاصر، به‌ویژه نمونه‌های از آثار عباس اکبری در کاشان، بیانگر تداوم آگاهانه سنت همراه با بازنگری در فرم و نقش و تلاش برای سازگاری با نیازهای مخاطب امروز است. براساس تحلیل مؤلفه‌های آینده، سه سناریوی «ادامه رشد»، «فروپاشی» و «رشته‌ای/تحولی» برای آینده سفال زرین‌فام کاشان ترسیم شد که در میان آن‌ها، سناریوی رشته‌ای به سبب تأکید بر تلفیق حفظ تکنیک، نوآوری، برندسازی و حمایت نهادی، مطلوب‌تر ارزیابی شد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که حفظ و ارتقای زرین‌فام مستلزم توانمندسازی هنرمندان، تقویت زیرساخت‌های آموزشی و حمایتی، و نوآوری در طراحی فرم و نقش است؛ به‌گونه‌ای که این هنر-صنعت بتواند در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فناورانه به حیات پویا و پایدار خود ادامه دهد.

مناظر
هنرهای ایران

نوشته علمی هنرهای صنعتی ایران

سال هشتم، شماره ۱، پیاپی ۱۴

بهار و تابستان ۱۴۰۴

۲۲۹

کلیدواژه‌ها:

سفال زرین‌فام، مطالعات آینده، جیمز آلن دیتور، سفال کاشان.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان شناسایی و تحلیل پیشران‌های اثر گذار بر حفظ و توسعه ظروف سفال و سرامیک ایران در افق ده ساله با راهنمایی نگارنده دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس است.

** دانشجوی دکتری، گروه هنر اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / zahra.amani@modares.ac.ir

*** دانشیار، گروه هنر اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول / shayesteh@modares.ac.ir

**** استادیار، گروه طراحی صنعتی، دانشگاه پوترا، سردانگ، سلانگور، مالزی / irwansyah@upm.edu.my

***** استادیار، گروه مطالعات آینده علم و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران / kosari@nrsp.ac.ir

۱. مقدمه

ایران با پیشینه طولانی در تولید و توسعه هنرها و صنایع دستی، یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های سفالگری در جهان اسلام به شمار می‌رود. با ورود اسلام و تغییر نگرش فرهنگی از تجمل‌گرایی به ساده‌زیستی، بخشی از کارکردهای ظروف فلزی گران‌قیمت به سفال‌های لعاب‌دار منتقل شد و همین امر زمینه‌ساز رشد کمی و کیفی سفالگری و ظهور گونه‌های پیچیده‌تر، از جمله سفال‌های زرین‌فام شد. در میان مراکز مختلف تولید سفال در ایران، شهر کاشان جایگاهی ممتاز در تولید و توسعه زرین‌فام به دست آورده و نام آن در متون تاریخی و آثار موزه‌ای ثبت شده است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر حفظ و توسعه سفال زرین‌فام کاشان در بستر تحولات معاصر و آینده‌های محتمل آن است. با توجه به جایگاه تاریخی و هنری سفال شهر کاشان، هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و توسعه سفال زرین‌فام کاشان و ارائه راهکارهایی برای پایداری و ارتقای آن در افق آینده است.

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد آینده‌پژوهی و با الهام از مؤلفه‌های جیمز آن دیتور سامان یافته است. دیتور بر این باور است که فهم آینده مستلزم توجه هم‌زمان به چهار عامل است: روندها، رویدادها، تصاویر آینده و اقدام‌ها. از نظر او، جوامع برای مواجهه با آینده‌های گوناگون و نامطمئن، نیازمند تقویت ظرفیت پیش‌بینی و پیش‌نگری و نیز توان شکل‌دهی فعالانه به آینده مطلوب‌اند. در این میان، آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی میان‌رشته‌ای می‌کوشد با شناسایی روندها و پیش‌ران‌ها، سیگنال‌های ضعیف و وضعیت‌های محتمل، هم از بروز برخی تهدیدها پیشگیری کند و هم امکان بهره‌گیری از فرصت‌ها را افزایش دهد. بر همین مبنا، در این مقاله از چارچوب چهارگانه دیتور برای تحلیل وضعیت کنونی و آینده‌های ممکن سفال زرین‌فام کاشان استفاده شده است. چرا که با توجه به سرعت تغییرات و تحولات در جوامع و فناوری‌ها، نیاز به رویکردهای نوین برای پیش‌بینی و شکل‌دهی به آینده بیش از پیش احساس می‌شود. مطالعات آینده به‌دنبال آماده‌سازی جامعه برای مواجهه با تغییرات است. این علم و هنر می‌تواند به ما کمک کند تا با شناخت روندها، سیگنال‌ها و وضعیت‌های محتمل، از خطرات ناشناخته دوری کنیم و در عین حال فرصت‌های جدید را شناسایی کنیم. از طرفی، «آینده به گذشته هویت و ارزش می‌دهد و معنای حال را تعیین می‌کند. دلیل اهمیت آن تفسیر گذشته، درک حال، تصمیم‌گیری و عمل در زمان حال و توازن استفاده از منابع اکنون و آینده است» (زبیری، ربانی و ساعدم‌پوشی، ۱۴۰۱: ۴۴). با توجه به اهمیت تاریخی و هنری زرین‌فام، بررسی آینده آن ضرورتی دوجندان دارد. این تکنیک در طول سده‌ها با فراز و فرودهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روبه‌رو بوده و بقای آن همواره به مهارت استادکاران، شرایط اجتماعی و حمایت‌های نهادی وابسته بوده است. امروز نیز این هنر با چالش‌هایی مانند کاهش استادکاران، محدودیت انتقال دانش، تغییر ذائقه مخاطبان و رقابت با تولیدات صنعتی مواجه است. در چنین شرایطی، آینده‌پژوهی می‌تواند ابزار مؤثری برای تحلیل وضعیت کنونی و طراحی مسیرهای پایدار باشد. رویکرد دیتور با تمرکز بر روندها، رویدادها، تصاویر آینده و اقدامات، امکان فهم ساختاری آینده را فراهم می‌کند. در حال حاضر، هنرمندان متعددی از تکنیک زرین‌فام استفاده می‌کنند. با توجه به محدوده پژوهش که شهر کاشان است، برای نمونه موردی آثار عباس اکبری به‌عنوان هنرمند فعال در این تکنیک و شهر انتخاب شد، تا پیوند میان سنت و نوآوری در بستر معاصر تحلیل شود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با سفال زرین‌فام در دهه‌های اخیر عمدتاً بر جنبه‌های تاریخی، تکنیکی و زیبایی‌شناختی این هنر متمرکز بوده و منابع متعددی به بررسی خاستگاه، شیوه ساخت، نقوش و سیر تحول آن پرداخته‌اند. از جمله آثار شاخص در این حوزه عبارت‌اند از: سفال زرین‌فام ایرانی (واتسون، ۱۳۸۲)، بررسی سیر تاریخی سفال زرین‌فام در جهان (محمدزاده میانجی، ۱۳۹۲) با رویکردی تطبیقی‌تر، خاستگاه زرین‌فام را عراق دانسته و کشورهای خاورمیانه از جمله مصر، سوریه و ایران را به‌عنوان مراکز اصلی تولید و گسترش آن معرفی می‌کند. یکی از نکات مهم این پژوهش، تأکید بر نقش بی‌ثباتی‌های سیاسی در مهاجرت هنرمندان زرین‌فام است؛ پدیده‌ای که موجب شده تاریخ توقف تولید زرین‌فام در یک منطقه تقریباً هم‌زمان با آغاز تولید آن در منطقه‌ای دیگر باشد. ابن الگو، نظریه «مهاجرت هنرمندان زرین‌فام» را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که انتقال دانش و مهارت در این هنر، بیش از آنکه محصول انتقال رسمی باشد، نتیجه جابه‌جایی اجباری یا داوطلبانه هنرمندان بوده است. در حوزه تحلیل سبک‌شناختی، پژوهش نیک‌خواه و شیخ مهدی (۱۳۸۹) در مقاله «رهیافتی به سیاست‌های فرهنگی ایلخانان در سده سیزدهم/هفتم در واکاوی نقوش سفال‌های زرین‌فام ایران» به واکاوی نقوش سفال‌های زرین‌فام ایران پرداخته و نقش سیاست‌های حکومتی را در تحول زیبایی‌شناسی این هنر بررسی کرده است. پژوهش‌هایی مانند «بررسی نقوش سفالینه‌های زرین‌فام و ظروف فلزی دوره سلجوقی و

ایلخانی و بازتاب زندگی اجتماعی آن عصر» (رایگانی و پاکباز کتج، ۱۳۹۷)، «جایگاه سفال زرین فام در دوران معاصر و معرفی هنرمندان پیشگام درزمینه احیای آن» (میرشفیعی، ۱۳۹۵) و «سفال زرین فام ایرانی» (واتسون، ۱۳۸۲) به جنبه‌های فنی زرین فام، از جمله ساخت لعاب، تکنیک‌های پخت و احیای معاصر این هنر پرداخته‌اند. پژوهش دیگری از میرشفیعی و محمدزاده (۱۳۹۴) که براساس جواهرنامه نظامی فرایند ساخت لعاب را بازسازی کرده، یکی از معدود مطالعاتی است که پیوند میان منابع تاریخی و تجربه عملی را برقرار می‌کند. این منابع بیشتر بر جنبه‌های تکنیکی تمرکز دارند و کمتر به ابعاد اقتصادی، بازار، یا آینده‌پژوهی توجه کرده‌اند. این منابع اطلاعات ارزشمندی درباره فرمولاسیون لعاب، حساسیت‌های پخت، و تجربه‌های کارگاهی ارائه می‌کنند.

با وجود غنای پژوهش‌های تاریخی، فنی و سبک‌شناختی، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که اغلب این مطالعات به گذشته زرین فام پرداخته و کمتر به پرسش‌های مرتبط با حفظ، ترویج و توسعه آینده‌محور این هنر توجه کرده‌اند. تمرکز اصلی منابع موجود بر توصیف و تحلیل گذشته است و خلأ قابل توجهی درزمینه پژوهش‌هایی که زرین فام را در چارچوب آینده‌پژوهی، سیاست‌گذاری فرهنگی یا توسعه پایدار هنرهای سنتی بررسی کنند، مشاهده می‌شود. به طوری که پژوهش‌های پیشین به طور مشخص به این پرسش نپرداخته‌اند که چگونه می‌توان سفال زرین فام کاشان را در آینده حفظ، بازآفرینی و توسعه داد یا چه عواملی می‌توانند مسیر آینده این هنر را شکل دهند. بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر «حفظ و توسعه سفال زرین فام کاشان» و با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهانه، در پی پر کردن این خلأ است. این پژوهش نه تنها به تحلیل گذشته می‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند با استفاده از مدل‌های تحلیلی نوین، امکان‌های پیش رو، مسیرهای محتمل آینده این هنر را بررسی کند. از این منظر، پژوهش حاضر گامی نو در ادبیات زرین فام محسوب می‌شود و می‌کوشد پیوندی میان میراث تاریخی و چشم‌انداز آینده برقرار کند.

۲-۱. روش پژوهش

این پژوهش کیفی از نظر هدف، کاربردی است و با روش توصیفی تحلیلی به انجام رسیده و تحلیل داده‌های آن با رویکرد مطالعات آینده انجام شده است. این رویکرد مبتنی بر مؤلفه‌های آلن دیتور است که به منظور ترسیم سناریوهای آینده، به شناسایی روندها، رویدادها، تصاویر و اقدامات می‌پردازد. با توجه به اینکه تمرکز این پژوهش بر شهر کاشان است از بین هنرمندان معاصر، آثار هنرمندی مورد مطالعه قرار گرفت که درزمینه ساخت و ترویج سفال زرین فام در کاشان فعالیت دارد.

۲. مبانی نظری

درباره وجه تسمیه زرین فام نظرات مختلفی ارائه شده است. رنگ زر- طلایی، به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل نام‌گذاری در لغت‌نامه دهخدا مطرح شده است (دهخدا: ۱۳۷۷ ذیل زرین فام). در واقع لعاب زرین فام را ابوالقاسم عبدالله کاشانی دواتشه می‌خواند و یکی از معروف‌ترین روش‌ها در تزیینات کاشی بوده است. این تکنیک، ابتدا در قرن دوم هجری در مصر برای تزیین شیشه مورد استفاده قرار می‌گرفت. در طول تاریخ، فنون و شیوه ساخت لعاب زرین فام، در اختیار افراد معدودی بوده و از نسلی معمولاً به نسل دیگر نزد افراد خانواده انتقال می‌یافته است. تجملی بودن، پیچیدگی و ابهامی که در روش ساخت آن وجود دارد، مورد توجه پژوهشگران بوده است. بر مبنای نظر محققان و پژوهشگرانی که به تکنیک ساخت لعاب زرین فام پرداخته‌اند، دو کتاب تاریخی معروف در این زمینه یعنی عرایس الجواهر و نفایس الاطایب و جواهرنامه نظامی است (میرشفیعی و محمدزاده، ۱۳۹۴: ۶۰). این روش شامل نشان دادن لایه‌ای از اتم‌های فلزی بر روی لعاب پخته شده است. برای این کار، اکسیدهای فلزی مانند مس و نقره با یک واسطه گلی مخلوط می‌شوند و پس از رقیق کردن با سرکه، بر روی لعاب، نقوشی ایجاد می‌شود. سپس حرارت داده می‌شود تا لعاب زمینه نرم شود و در کوره دود ایجاد می‌کنند که به احیا معروف است. این فرایند باعث جدایی اکسیژن از اکسیدها و باقی ماندن فلز خالص بر روی سطح سفال می‌شود. پس از سرد شدن کوره، ظروف تمیز شده و لایه‌ای درخشان از فلز نقره و مس بر روی لعاب باقی می‌ماند.

یکی از علل ناشناخته ماندن این روش را می‌توان محدود بودن اطلاعات به دست آمده از آن و همچنین انحصاری بودن آن دانست. به دلیل اهمیت این روش در پی آنیم تا برای حفظ و توسعه آن قدمی برداریم. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌توان برای شناخت آینده انجام داد، شناسایی مؤلفه‌های آینده است. اینکه آینده چه ابعادی دارد، کمک خواهد کرد که ذهنیت و شناخت بهتری از آن فراهم شود. در این خصوص

جیمز آلن دیتور معتقد است که آینده از درهم‌کنش چهار مؤلفه پدید آمده و این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: رویدادها،^۱ روندها،^۲ تصاویر^۳ و «اقدام‌ها»^۴ که در زیر به شرح آن پرداخته می‌شود.

۳. شناسایی روندها و رویدادها در سفال زرین فام

اولین و دومین مورد از مؤلفه‌های آینده، روندها و رویداد هستند. روندها بر پیوستگی‌های تاریخی تأکید دارند. روندها هنگامی ظاهر می‌شوند که چند پدیده دارای گرایش یا جهت‌گیری عمومی باشند (Dator, 1996: 107). روند در لغت به معنای «طریقه، روش و رفتار» است (معین، ۱۳۸۵: ۱۶۹۴). روندها به پیوستگی تاریخی و وضعیت‌های عمده یا «تغییرات منظم در داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان» اشاره دارد. در مقابل روندها، رویدادها قرار دارند؛ رویدادها به گسست‌های تاریخی و عدم اطمینان‌ها در مورد آینده پرداخته‌اند (زکریای کرمانی و رحیمی، ۱۴۰۰: ۴۳)؛ همان وقایعی که همه افراد را درخصوص اندیشیدن درباره آینده به تردید می‌اندازند. از آنجاکه کسی نمی‌داند در آینده چه رویدادهایی به وقوع خواهد پیوست، آینده کاملاً غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد. با توجه به این مؤلفه، فرد از آینده تنها با فرض آمادگی نسبی، بدون طرح و برنامه‌ای قبلی به پیش رفته و امور را بیشتر به بخت و اقبال واگذار می‌کند؛ اما آینده دارای سه بعد و مؤلفه دیگر است که کمک خواهند کرد تا شناخت از آینده مبهم به نظر نرسد. می‌توان چالش‌ها و فرصت‌ها، تهدیدها و آسیب‌ها را در رویداد گنجانند (Dator, 1996: 107 & 108).

درباره خاستگاه این روش، نظریات مختلفی وجود دارد (تصویر ۱). «احتمالاً نخستین سفال‌های زرین فام در اوایل قرن نهم میلادی در کشور عراق و در ناحیه بغداد و حوالی آن ساخته شده‌اند» (محمدزاده میانجی، ۱۳۹۲: ۱۳). «قدیمی‌ترین تزیینات زرین فام بر روی شیشه (جام) مشاهده شده که از فسطاط مصر به دست آمده و بر آن کتیبه‌ای به نام "عبدالصمد بن علی" وجود دارد که در سال ۱۵۷ هجری به مدت یک ماه حکمران مصر بوده است. هم‌زمان در بین‌النهرین نیز لعاب زرین فام برای پوشش و تزیین اشیای سفالی و شیشه‌ای مورد استفاده قرار گرفت و این نظریه نیز وجود دارد که هنرمندان مصری شیوه ساخت زرین فام را به بین‌النهرین منتقل کردند» (واتسون، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۸). در اولین نمونه‌های زرین فام، به‌جز موارد نادر روی چند کاشی، به‌ندرت طرح‌های فیگوراتیو مشاهده می‌شود (Caiger-Smith, 1985: 24).



تصویر ۱: جام شیشه‌ای با نقاشی زرین فام - مصر (URL1)

می‌توان گفت سرزمین‌های ایران، عراق و مصر به‌عنوان مراکز عمده تولید زرین فام شناخته شده‌اند. در ایران، کاشان را می‌توان مهد زرین فام نام برد. کاشان، مهم‌ترین مرکز است و تردیدی نیست که سفالگران این شهر آوازه بلندی داشته‌اند (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۷۸: ۶۰۷). از آنجاکه روش اجرای زرین فام بسیار دشوار است، نمونه‌های ابتدایی، کمتر جلای فلزی را به نمایش می‌گذارند و همچنین در نمونه‌های زرین فام یافت‌شده از درون خاک، به‌دلیل آسیب‌رسانی نمک‌های موجود در زمین، جلای فلزی به‌تدریج از بین رفته است (آلن، ۱۳۸۳: ۱۲).

دوره رواج این تکنیک در ایران مربوط به عصر سلجوقی است و تا اواخر دوره ایلخانی نیز تولید آن رونق داشته است. در دوره ایلخانی سبک سفال‌های زرین‌فام دگرگون شدند که این دگرگونی در سبک تولید رنگدانه‌ها و در شکل ظروف صورت گرفت (شایسته‌فر، ۱۳۸۵: ۲۹). اقتباس فرم از ظروف چینی و کاسه‌های نیم‌کروی شکل و بشقاب‌های بزرگ با لبه جداگانه از مشخصات ظروف زرین‌فام این دوران است (محمدزاده میانجی، ۱۳۹۲: ۱۱۴) (تصویر ۲).



تصویر ۲: کاسه زرین‌فام ایلخانی (URL2)

کاشان که در این دوره از حملات مغول در امان بود، به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز تولیدکننده سفالینه باقی ماند (بلوم و بلر، ۱۳۸۲: ۳۲). تولید ظروف زرین‌فام و منقوش زیرلعاب تا اواخر قرن هشتم هجری قمری در کاشان ادامه یافت و تغییر قابل ملاحظه‌ای در تکنیک یا بدنه ظروف به وجود نیامد و تنها تغییر در تزئینات است که تأثیر هنر چین دیده می‌شود (Fehrevari, 2000: 120). تنوع ظروف تولیدشده در این دوره شامل کاسه و بشقاب است که گروه وسیعی از تولیدات را به خود اختصاص می‌دهد و علاوه‌بر آن ظروف آب‌خوری، گلدان و پیکرک‌ها بیشتر دیده می‌شود.

بنا به دلایلی روش مزبور در دوره تیموری مانند دوره‌های قبل رواج نداشت و کمتر مورد توجه بود و با ظهور سلسله صفوی مجدداً احیا و با ویژگی‌های جدیدی تولید شده است (حسینی و فرخ‌فر، ۱۴۰۱: ۸۲). زرین‌فام در دوره صفوی، مدت کوتاهی رونق یافت که در مقایسه با نمونه‌های اولیه متفاوت و چشمگیر ظاهر شد. در سده‌های متأخر، ظروف زرین‌فام با قوامی بیشتر از دوران‌های قبلی نمایان شد (Fehrevari, 2000: 289). در سده‌های میانه اسلامی، رنگ ظروف زرین‌فام متنوع است و درجات مختلفی از زیتونی، قهوه‌ای تیره، زرد طلایی، قهوه‌ای مایل به زرد، مسی و بنفش بر روی زمینه‌ای که بیشتر سفید بوده و جزئیات طرح را بهتر نشان می‌دهند به چشم می‌آید (Caiger-smith, 1985: 56-57). سده‌های میانه دوره درخشان زرین‌فام در شهر کاشان بوده است؛ از آنجا که اغلب آثار هنری ریشه در فرهنگ و دغدغه‌های اجتماعی جامعه تولیدکننده دارند، شواهد جامعه‌شناختی قابل توجهی از جامعه حاکم بر زندگی انسان‌ها به نمایش می‌گذارند.

در دوره سلجوقیان، هنر اسلامی با تأثیر از هنرمندان ایرانی به اوج انسجام و تعالی رسید و به‌عنوان برجسته‌ترین دوره هنر اسلامی شناخته شد. در این دوره، فرم‌های هنر ساسانی با اندیشه‌های اسلامی تلفیق شده و آثار باشکوهی خلق گردید. اشعار پارسی بر سفالینه‌ها نقش بست. با تسلط ایلخانان مغول بر ایران، عراق و بخش‌هایی از آسیای صغیر، هنرمندان ایرانی با هنر چینی آشنا شدند. این تعامل منجر به نوآوری در

طرح‌ها و روش‌های نقش‌نگاری شد. تأثیرات فرهنگ شرق دور در نقوش، رنگ‌ها و تزیینات سفال‌های زرین‌فام مشهود است؛ از جمله استفاده از تصاویر ققنوس، اژدها و نیلوفر آبی و چهره‌های مغولی با چشمان بادامی. هم‌زمان، ظهور طبقه متوسط تجمل‌پرست، که به دلیل محدودیت‌های مذهبی و اقتصادی به سفال‌های زرین‌فام به‌عنوان جایگزین اشیای زر و سیم روی آوردند، تحت‌تأثیر ساختارهای حکومتی و توسعه بازار و تجارت شکل گرفت (رایگانی و پاکباز کتبخ، ۱۳۹۷: ۳۳ و ۳۴).

در سده‌های متأخر، ظروف، سطح لعاب و رنگ‌ها و تزیینات متفاوت می‌شود. بدنه از خمیر شیشه‌ای (فاینس) سفیدرنگ و متراکم که با حرارت دیدن شفاف‌تر می‌شوند که با قشر نازکی از لعاب قلیایی بی‌رنگ پوشیده می‌شدند. زرین‌فام با نقوش گیاهی و حیوانی تزیین یافته‌اند و دامنه رنگ سایه‌های زرین‌فام از رنگ مسی تا قهوه‌ای شکلاتی و در قاجار به‌صورتی متمایل شد (محمدزاده میانجی، ۱۳۹۲: ۱۴۳ و ۱۴۵). می‌توان گفت پس از احیای زرین‌فام در دوره صفوی، در دوره قاجار به دلیل استقبال اروپاییان از این روش و علاقه به جمع‌آوری نمونه‌های اولیه زرین‌فام در ایران، مجدداً رواج یافت (نصری، ۱۴۰۲: ۶۲). در دوره‌های صفوی و قاجار حضور سیاحان، مسافران سیاسی - مذهبی کشورهای اروپایی در ایران، آوازه زیبایی، ظرافت و دیگر ویژگی‌های سفال کاشان را به آن‌سوی مرزها برد.

در عصر حاضر تعداد اندکی از اساتید سفالگر قدیمی گاهی از نمونه‌های لعاب‌های زرین‌فام و لعاب خاصی که اصطلاحاً به آن لعاب غازمغزی یا لعاب پرتاووسی می‌گویند، برای تولید ظروف استفاده کرده‌اند. در دوره معاصر برخی افراد با مراجعه به منابع قدیمی تلاش کردند تا به تکنیک زرین‌فام دست یابند؛ به همین علت به یکی از منابع قدیم مربوط به دوره ایلخانی به نام عرایس الجواهر و نفایس الاطیاب که شیوه ساخت لعاب زرین‌فام را به‌صورت مختصر توضیح داده، مراجعه کردند؛ باین حال چون متن با استفاده از اصطلاحات و کلمات متداول آن روزگار به نگارش درآمده، نتوانستند به‌صورت دقیق به شیوه ساخت این لعاب پی ببرند.

تولید لعاب زرین‌فام فرایندی مبهم و پیچیده دارد که به‌هیچ‌وجه هنرمند سازنده بدون اطلاع دقیق از روش ساخت و تنها با مشاهده ظرف زرین‌فام نمی‌تواند به روش ساخت آن دست یابد. در حال حاضر در کشور ایران تعداد انگشت‌شماری هستند که توانسته‌اند نمونه‌های مشابهی از لعاب زرین‌فام را تولید کنند و دیگر افراد مدعی درحقیقت از همان رنگ لعاب‌های لاستری استفاده می‌کنند که با لعاب زرین‌فام که بدون استفاده از خود طلاست، بسیار متفاوت است. برخی از افراد فعال در این زمینه عبارت‌اند از: بهزاد اژدری، محمد اعلائی، رضا تائبی، پروین حیدری‌نسب، نفیسه خلیج، آزاده شولی، حسین صداقت، سید محمد میرشفیعی و روزبه نمازی.

محمد مهدی انوشهر پژوهشگر و از سفالگران باسابقه و منحصر‌به‌فرد در ایران، طی سال‌های اخیر به موضوع لعاب زرین‌فام ورود کرده و با بهره‌گیری از دانش تجربی اساتید گذشته و مطالعات بسیار گسترده، شیوه‌های کاری لعاب‌کاران را مورد مطالعه قرار داده و با آزمایش‌های فراوان توانسته نمونه‌هایی از لعاب زرین‌فام را ساخته و به کار گیرد؛ همچنین عباس اکبری عضو هیئت‌علمی دانشگاه کاشان نیز توانسته به‌وسیله مطالعه و استفاده از تجربیات گردآوری‌شده، نمونه‌های دیگری از لعاب زرین‌فام را به دست آورد.

بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که در سده‌های میانه اشیا از نظر فرم و نقش شبیه هم هستند و جزئیات و ظرافت زیادی دارند. در سده‌های متأخر فرم ظرف تغییر کرده، اندکی دهانه ظرف بازر شده و نقش‌ها گیاهی شدند. امروزه تنوع ساخت بیشتر شده و برخی آثار زرین‌فام کنونی کاملاً برگرفته از گذشته هستند. برخی افراد تکنیک را با فرم و نقش جدید وام گرفته و برخی نیز نقش و فرم سده‌های پیشین را با تغییر خلق می‌کنند.

۴. بررسی زرین‌فام در آثار هنرمند امروزی

عباس اکبری یکی از هنرمندان معاصر فعال در زمینه ساخت آثار زرین‌فام است که در آثار خود پیوندی روشن میان سنت‌های گذشته و رویکردهای امروزی برقرار می‌کند (تصویر ۳). یکی از مهم‌ترین مراکز تاریخی تولید زرین‌فام، زمینه‌ای فراهم کرده تا با اتکا به منابع تاریخی، تجربه‌های شخصی و آزمایش‌های مداوم، آثاری متمایز و اصیل خلق کند. آلن کابگر اسمیت درباره او می‌نویسد که اکبری توانسته است «میان سنت و نوآوری توازن برقرار کند» و از دل سنت، بیان تازه‌ای به وجود آورد؛ زیرا به باور او، «بدون دستاورد گذشتگان، امروز برهنه‌ایم و بدون نوآوری، سنت به بن‌بست تاریخی تبدیل می‌شود». افزون بر این، گرگ دیلی نیز اکبری را از معدود هنرمندانی می‌داند که با جدیت و پشتکار، این تکنیک کمابیش فراموش‌شده را مورد مطالعه قرار داده و به احیای دوباره آن یاری رسانده است (اکبری، ۱۳۹۲: ۷).



تصویر ۳: بشقاب زرین فام سبک کاشان، اثر عباس اکبری (صفحه شخصی هنرمند)

می‌توان گفت یکی از دلایل گرایش اکبری به زرین فام، فرارگیری در محیط کاشان است که از اصلی‌ترین مراکز ساخت زرین فام است. وی پس از بررسی کتاب عرایس الجواهر و با آشنایی با کتاب آن کایگر اسمیت، شروع به تجربیاتی در زمینه زرین فام براساس فرمول‌های او می‌نماید که با ادامه این روند موفق می‌شود به تکنیک زرین فام تسلط یابد. آثار زرین فام وی شامل ظروف زرین فام، کاشی و حجم‌هایی است که در قالب چیدمان ارائه شده است. در تعدادی از ظروف وی شاهد تقلید صرف از آثار گذشته هستیم و در برخی آثار وی با استفاده از خط نستعلیق سعی در ارائه ترکیباتی نو و معاصر داشته است. در این ظروف، استفاده از خط نستعلیق به صورت درشت و ناخوانا بر روی زمینه لاجوردی و تیره، کارکرد تجسمی خط‌نوشته را مد نظر قرار داده و در پی ارائه مفهوم خاصی نیست (میرشفیعی، ۱۳۹۵: ۷). برگرفتی از گذشتگان در اثر عباس اکبری از بشقاب سفالی سده‌های میانه و نوع نقش و تکنیک نمایان است (تصاویر ۴ و ۵).



تصویر ۴: کاسه شبیه‌سازی شده زرین فام، اثر عباس اکبری (میرشفیعی، ۱۳۹۵: ۹) تصویر ۵: بشقاب سفالی زرین فام، سبک کاشان، ۶۰۷ هجری (URL3)

در آثار اخیر این هنرمند دیده می‌شود که براساس فرم‌های طراحی، سده‌های میانه اسلامی کاشان با لعاب‌های فلز فام و بداهه‌نویسی‌های خوشنویسی تزیین شده بود که به صورت دائم در موزه سفال گویبوی ایتالیا به نمایش گذاشته شده‌اند. همچنین عباس اکبری آثاری دارد که

در بردارندهٔ لعاب‌های متنوع فلز فام همراه با خطوطی است که از هفت سال پیش آن‌ها را با به‌روز کردن گرافیک خطوط سفال‌های سده‌های میانهٔ اسلامی کاشان به کار گرفته است. در این آثار از فرم و نقش کاملاً امروزی انتخاب شده که با روش زرین‌فام اجرا شده است (تصویر ۶).



تصویر ۶: کاسهٔ زرین‌فام، اثر عباس اکبری (صفحهٔ شخصی هنرمند)

به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد (سفال) دوره‌های مختلف همیشه وام‌دار هنر دوره‌های قبل از خود هستند؛ برای مثال مضمون داستان بهرام گور بر تخت شیرها، بر روی سفال سلجوقی دیده می‌شود که پیش از آن، روی ظرف سیمین ساسانی نقش شده است. به نظر می‌رسد چنین مضمون‌هایی با تألیف شاهنامهٔ فردوسی احیا شده و تداوم پیدا کرده است. ممکن است دلیل آن شرایط جامعهٔ سلجوقی باشد که هدفشان توجه و حمایت از فرهنگ ایرانی بوده است. هدف آن است با تأکید بر نمونه‌سازی از آثار گذشتگان و حفظ و اشاعهٔ هنرهای سنتی، سبک کار، طرح‌ها و روش‌هایی را که از گذشتگان باقی مانده، حفظ و به نسل آینده منتقل شود. اگر این کارها انجام نشود، این روش به مرور زمان فراموش خواهند شد اما قصد بر آن است تا جوانان، هنرجویان و هنرمندان علاقه‌مند بتوانند این تکنیک را بیاموزند؛ ضمن آنکه برخی از این آثار و طرح‌ها در قالب آثار کاربردی نیز در زندگی روزمرهٔ عموم جامعه جای گرفته‌اند. از گذشته شهر کاشان یکی از مراکز مطرح در زمینهٔ تولید ظروف سفالی ایران بوده است. با این حال روند پیشه، تجارت و تولید این محصولات در همهٔ زمان‌ها یکنواخت نبوده و فراز و فرودهایی داشته است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نقاط عطف تولید با کیفیت و برجستهٔ این محصولات دوران سلجوقی، ایلخانی و صفوی بوده‌اند. شایان ذکر است که امروزه هم نمونه‌های خلاقانه را در آثار هنرمندان معاصر می‌توان دید.

۵. شناسایی تصاویر و اقدامات در سفال زرین‌فام

آینده‌پژوهان به دنبال کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهترینند. آنان انتخاب‌های مختلفی را جمع به آینده، فراروی انسان‌ها قرار می‌دهند و در انتخاب و بی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کنند (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰). از عوامل عمدهٔ تشکیل‌دهندهٔ آینده‌تصویرهایی است که انسان‌ها در ذهن خود پرورش می‌دهند. از اهداف مطالعات آینده این است که به مردم کمک کند تا تصاویر خود را از آینده (ایده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها و علایقشان به آینده) محک زنند و شفاف کنند تا تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، با کیفیت‌تر و بهبود یابد (اسماعیل پور و عرب بافرانی، ۱۴۰۱: ۹۶). تصاویر آینده بازتابی از برداشته‌ها و خواسته‌های افراد در خصوص آینده‌اند که در قالب سخنرانی، گفت‌وگو یا سناریوهای تدوین شده توسط بازیگران اجتماعی منتشر می‌شوند. بخش عمده‌ای از درک ما از آینده ریشه در این تصاویر ذهنی دارد؛ تصویری که می‌توانند بر زندگی و سرنوشت انسان اثرگذار باشند. آیندهٔ واقعی، هنگامی که تحقق می‌یابد، تا حد زیادی محصول انتظارات پیشین ماست. در این معنا، آینده را می‌توان تجسمی از پیامدهای رفتارها و انتخاب‌های کنونی دانست که هم‌زمان تحت‌تأثیر پیشرفت‌ها و عوامل مستقل از ارادهٔ ما نیز قرار می‌گیرد.

تصویرسازی مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویکرد مطالعات است. «توانایی تصور آینده‌های متفاوت و گوناگون یکی از مشخصه‌های ویژه انسان است. وقتی که جامعه بتواند آینده را به‌طور مناسبی در راستای اهداف مشترک خود مهار کند، راه‌های بسیاری برای خروج از مخمصه‌ها و بحران‌های اجتماعی مانند بحران هویت فراهم می‌شود. فرضیه‌های اضافی را می‌توان منسوخ کرد، ارزش‌ها را می‌توان بازبینی کرد و سیستم‌های تجزیه‌گرا را می‌توان در راستای تصاویر مشترک جمعی یکپارچه کرد» (طاهری دمنه، ۱۳۹۷: ۴۶). از آنجاکه انسان و جامعه شکل‌دهنده و پیشران اصلی آینده هستند، تصاویری که انسان می‌سازد، در آینده می‌تواند تبدیل به یک محصول شود؛ یعنی تصویرهای ذهنی از آینده می‌تواند روندها و رویدادهایی را تولید کند که به ساخت مطلوب‌های یک جامعه منتهی شود. در زیر به موارد مهم آن پرداخته می‌شود:

۱. افزایش رونق اقتصادی؛

۲. بهره‌گیری از ایده‌های خلاق؛

۳. تأمین مواد اولیه؛

۴. ثبات شغل: در گذشته تمام اعضای خانواده در تولید صنایع دستی فعالیت داشتند و معیشت خانواده نیز از همین راه تأمین می‌شد، اما اکنون به دلیل مشکلات بیمه‌ای، درآمد پایین و نبود درآمد ثابت تضمین‌شده، خانواده‌ها علاقه‌ای به ادامه این شغل ندارند؛

۵. آموزش فنی و تخصصی افراد؛

۶. حمایت مالی؛

۷. تولید و عرضه: مشکلات صادرات همچنین نبود استانداردهای لازم برای تولید، نبود برنامه مدون برای توسعه گردشگری، بی‌توجهی برخی مسئولان، عدم برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، کم‌رنگ بودن نقش آموزش و پرورش در این هنر، کم‌رنگ بودن نقش صداوسیما برای معرفی و...

تصاویر آینده می‌توانند بر زندگی و سرنوشت ما تأثیر بگذارند. آن‌ها در ذهن افراد، گروه‌ها یا نهادها و به عبارت دیگر، تمام کنشگران متفاوت در هر سطح از جامعه، وجود داشته و همچنان رشد می‌یابند. آن‌ها می‌توانند به اشتراک گذاشته و پذیرفته شوند، شکسته شوند و تغییر کنند. می‌توانند کاملاً از نو ساخته شوند و به صورت‌های مختلف مورد دفاع واقع شوند؛ بنابراین با بهره‌گیری هوشمندانه از دانش آینده‌پژوهی، فرصت می‌یابیم تا آگاهانه، موج‌های تغییر را پیش‌بینی کرده، به فکر چاره بیفتیم.

اقدامات نیز براساس همین تصاویر ذهنی شکل می‌گیرند و با هدف اثرگذاری بر آینده انجام می‌شوند. در حوزه زرین‌فام، اقداماتی مانند برندسازی و توسعه گردشگری تولید متناسب با نیازهای روز، تعدیل قیمت‌ها از طریق معافیت مالیاتی، استفاده از مواد اولیه داخلی، و حمایت مالی از هنرمندان از اهمیت ویژه برخوردارند. برای توسعه این هنر، آموزش تولیدکنندگان ماهر، ایجاد ارتباط مؤثر میان دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، و بهره‌گیری از ظرفیت گردشگران برای فروش محصولات ضروری است. همچنین، نوآوری در طراحی، استفاده از فناوری‌های جدید، حمایت از استارت‌آپ‌های هنری، و بازاریابی دیجیتال می‌تواند بازارهای تازه‌ای ایجاد کند. ثبت جهانی زرین‌فام در یونسکو نیز می‌تواند به حفظ این میراث و توسعه کسب‌وکارهای مرتبط کمک کند. در زمینه سفال زرین‌فام، مجموعه‌ای از تصاویر مطلوب آینده قابل شناسایی است؛ افزایش رونق اقتصادی، بهره‌گیری از ایده‌های خلاق، تأمین مواد اولیه، ایجاد ثبات شغلی، آموزش تخصصی، حمایت مالی، و بهبود تولید و عرضه. چالش‌هایی مانند مشکلات بیمه‌ای، درآمد پایین، نبود استانداردهای تولید، ضعف در صادرات، کم‌رنگ بودن نقش آموزش و پرورش و رسانه‌ها، و نبود برنامه‌ریزی گردشگری نیز از عواملی هستند که بر شکل‌گیری این تصاویر اثر می‌گذارند. تصاویر آینده در ذهن افراد، گروه‌ها و نهادها شکل می‌گیرند، تغییر می‌کنند، بازسازی می‌شوند و می‌توانند به اشتراک گذاشته شوند. بهره‌گیری هوشمندانه از آینده‌پژوهی کمک می‌کند تا این تصاویر به‌صورت آگاهانه هدایت شوند و زمینه پیش‌بینی و مدیریت موج‌های تغییر فراهم شود.

سناریونویسی یکی از روش‌های پرکاربرد و اختصاصی آینده‌پژوهی است. (اسماعیل پور و عرب بافرانی، ۱۴۰۱: ۵) و ابزاری برای بهبود تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت‌هاست. «در واقع در روش سناریونویسی، فضاها از آینده که ممکن و محتمل هستند، به تصویر کشیده می‌شود» (عناستانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲). علاوه بر آن طراحی سناریو یک روش برای توسعه و تفکر درباره موقعیت‌های آینده ممکن براساس چندین سناریوی مختلف است.

سناریوهای حاصل از تجزیه و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر حفظ و توسعه زرین فام کاشان با توجه به مؤلفه‌های دیتور و پیشران‌های شناسایی شده، به شرح زیر است:

الف) سناریوی ادامه رشد

سناریوی رشد به آینده‌ای اشاره دارد که در آن روندهای موجود بدون تغییرات ساختاری اساسی ادامه می‌یابند و سیستم با تکیه بر افزایش تولید، مصرف و گسترش فعالیت‌ها، مسیر توسعه کمی را دنبال می‌کند. در این سناریو، سیاست‌ها، فناوری‌ها و الگوهای مدیریتی عمدتاً ثابت می‌مانند و فرض بر این است که ظرفیت‌های اقتصادی و منابع طبیعی می‌توانند نیازهای روبه‌افزایش را پاسخ دهند. نتیجه آن آینده‌ای است مشابه وضعیت کنونی، اما با مقیاسی بزرگ‌تر، سرعت بیشتر و فشار بالاتر بر منابع و محیط‌زیست. این سناریو معمولاً به‌عنوان «روند ادامه‌دار» شناخته می‌شود. در سناریوی رشد که بر ادامه روندهای موجود و توسعه کمی استوار است، به شرح زیر در سفال بیان می‌شود:

- **ویژگی‌ها:** تداوم حمایت‌های محلی و ملی از هنر سفالگری، افزایش گردشگری در کاشان به‌عنوان مقصد فرهنگی، و حفظ کارگاه‌های سنتی با آموزش مداوم.
- **پیامدها:** سفال زرین فام کاشان به‌عنوان یک محصول فرهنگی با بازار پایدار داخلی و منطقه‌ای شناخته می‌شود. کارگاه‌های خانوادگی مانند خاندان ابوطاهر به فعالیت خود ادامه می‌دهند و محصولات زرین فام در موزه‌ها و بازارهای سنتی جایگاه خود را حفظ می‌کنند.
- **پیشران‌های کلیدی:** حمایت‌های دولتی، آموزش نسل جدید، و تبلیغات گردشگری.
- **چشم‌انداز:** سفال زرین فام به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی کاشان، با حفظ اصالت و کیفیت، در بازارهای محلی و منطقه‌ای پایدار باقی می‌ماند.

سناریوی «ادامه رشد» از تداوم روندهای موجود، نبود رویدادهای گسست‌زا، تصویر آینده‌ی محافظه‌کارانه و اقدامات جاری را در بر می‌گیرد.

ب) سناریوی فروپاشی

این سناریو آینده‌ای را نشان می‌دهد که در آن سفال زرین فام کاشان به دلیل عدم حمایت، کاهش علاقه نسل جوان، و رقابت با محصولات صنعتی به تدریج از بین می‌رود و به یک هنر موزه‌ای یا منسوخ محدود می‌شود.

- **ویژگی‌ها:** کاهش علاقه نسل جوان به یادگیری این هنر به دلیل درآمد پایین، مهاجرت هنرمندان به شهرهای بزرگ، کاهش تقاضای بازار به دلیل رقابت با محصولات ارزان‌تر صنعتی، و کمبود مواد اولیه با کیفیت.
- **پیامدها:** کارگاه‌های سفالگری زرین فام کاشان تعطیل شده و این هنر به تدریج به موزه‌ها و مجموعه‌های تاریخی محدود می‌شود. خطر از بین رفتن دانش فنی این هنر افزایش می‌یابد.
- **پیشران‌های کلیدی:** کمبود حمایت مالی، کاهش تقاضای بازار، و مهاجرت نیروی انسانی ماهر.
- **چشم‌انداز:** سفال زرین فام کاشان به‌عنوان یک هنر در حال انقراض شناخته شده و تنها در قالب آثار تاریخی حفظ می‌شود. سناریوی «فروپاشی» از روندهای منفی، رویدادهای گسست‌زا، تصویر آینده‌ی تهدیدمحور و نبود اقدامات حمایتی را در بر می‌گیرد.

ج) سناریوی تحول یا رشته‌ای

- **ویژگی‌ها:** پایداری و استانداردسازی: استفاده بهینه از منابع محدود، کنترل کیفیت سخت‌گیرانه، و تدوین استانداردهای تولید برای حفظ اصالت و ارزش هنری.
- نوآوری فناورانه: بهره‌گیری از طراحی دیجیتال، ابزارهای نوین تولید، و فناوری‌های جدید برای خلق نقوش و فرم‌های جذاب‌تر برای نسل جدید.
- بازارهای تخصصی و جهانی: حضور هم‌زمان در بازارهای لوکس و کلکسیونی، و همچنین ورود به بازارهای بین‌المللی از طریق پلتفرم‌های تجارت الکترونیک.
- حمایت نهادی و همکاری بین‌المللی: افزایش حمایت دولت، نهادهای فرهنگی و سازمان‌هایی مانند یونسکو، همراه با همکاری با برندهای جهانی برای معرفی این هنر در سطح بین‌المللی.

• پیامدها:

- سفال زرین فام کاشان به عنوان محصولی لوکس، اصیل و فرهنگی در بازارهای تخصصی جایگاه خود را حفظ می کند.
- هم زمان، با بهره گیری از فناوری و بازاریابی دیجیتال، این هنر به برندی جهانی تبدیل شده و در موزه ها، نمایشگاه ها و پلتفرم های معتبر بین المللی دیده می شود.
- نوآوری در طراحی و تولید، جذابیت این آثار را برای مخاطبان جوان تر افزایش می دهد. در حالی که تولید محدود همچنان ارزش و کمیابی آن را حفظ می کند.

• پیشران های کلیدی:

- سیاست های حفاظتی و استانداردسازی برای صیانت از اصالت و کیفیت.
- نوآوری های فنی و دیجیتال برای توسعه طراحی و تولید.
- بازاریابی دیجیتال و همکاری های بین المللی برای گسترش بازار و افزایش دیده شدن جهانی

• چشم انداز:

- سفال زرین فام کاشان در آینده به عنوان یک محصول فرهنگی-هنری اصیل، کمیاب و در عین حال مدرن و جهانی شناخته می شود. این هنر با حفظ ریشه های تاریخی خود، از طریق نوآوری و حضور هوشمندانه در بازارهای جهانی، جایگاهی پایدار و ارزشمند در میان مخاطبان تخصصی و عمومی پیدا می کند.
- سناریوی «تحول» از روندهای مثبت، رویدادهای محرک، تصاویر آینده روشن و اقدامات فعالانه را در بر می گیرد.
- در این سناریو، سفال زرین فام کاشان مسیری ترکیبی را طی می کند؛ مسیری که از یک سو بر حفظ اصالت، کیفیت و تولید محدود تکیه دارد و از سوی دیگر با نوآوری های فناورانه و گسترش بازارهای جهانی پیوند می خورد. نتیجه، شکل گیری یک مدل توسعه یافته و پایدار است که هم ارزش فرهنگی این هنر را حفظ می کند و هم آن را در سطح جهانی مطرح می سازد.

۶. یافته های پژوهش

سفال زرین فام یکی از برجسته ترین دستاوردهای هنری و فنی در تاریخ سفالگری ایران است که در دوره های اسلامی، به ویژه از سده های ششم تا هشتم هجری قمری (عصر سلجوقیان) و سپس در دوره های ایلخانی، تیموری، صفوی و قاجار، به اوج شکوفایی رسید. این نوع سفال به دلیل لعاب درخشان و جلای فلزی اش، که از نانوذرات نقره و مس به دست می آمد، شهرت دارد. مؤلفه های آلن دیتور در این پژوهش بازتاب دهنده عوامل گوناگونی است که مهم ترین آنها شامل عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری دوره های مختلف است. در ادامه، ارتباط این سفال با این عوامل بررسی می شود:

۶-۱. عوامل فرهنگی

- **تأثیرات مذهبی و اعتقادی:** سفال زرین فام به عنوان جایگزینی برای ظروف فلزی گران بها رواج یافت. این سفال ها با درخشش فلزی خود، حس تجمل را منتقل می کردند، اما با مواد ارزان تر و در دسترس تر ساخته می شدند.
- **نمادگرایی و نقوش:** نقوش سفال های زرین فام، شامل طرح های گیاهی، انسانی، حیوانی، هندسی و کتیبه ای، بازتاب دهنده فرهنگ و باورهای جامعه بودند. برای مثال، نقوش انسانی و صحنه های ادبی (مانند داستان های شاهنامه یا خمسه نظامی) در دوره های سلجوقی و صفوی نشان دهنده تأثیر ادبیات و هنر مینیاتور ایرانی است.
- **تأثیرات بین فرهنگی:** ارتباط ایران با چین (سلسله تانگ) و دیگر مناطق اسلامی، مانند مصر و شام، منجر به تبادلات فرهنگی و هنری شد. سفال های چینی لعاب دار وارد ایران شدند و الهام بخش آثار زرین فام شدند.

۶-۲. عوامل اجتماعی

- **پیدایش طبقه متوسط:** در دوره سلجوقیان، رشد طبقه متوسط و مردمی شدن هنر باعث شد سفال زرین فام نه تنها در دربار، بلکه در میان مردم عادی نیز رواج یابد. این سفال ها به عنوان جایگزینی مقرون به صرفه برای ظروف فلزی اشرافی مورد استقبال قرار گرفتند.

- **بازتاب زندگی اجتماعی:** نقوش سفال‌های زرین‌فام، مانند تصاویر نجبا، صحنه‌های شکار، یا داستان‌های عاشقانه، زندگی اشرافی و فرهنگ درباری را نشان می‌دادند. این آثار به‌عنوان اسناد مصور، جنبه‌هایی از تاریخ اجتماعی و سبک زندگی را بازگو می‌کنند. کاربرد نقوش گیاهی شامل طرح‌های اسلیمی و ختایی در دوره‌های صفوی و قاجار نیز ادامه یافت. نقوش انسانی و حیوانی بیشتر در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی رایج بود و بازتاب‌دهنده زندگی درباری و مضامین ادبی بود. کتیبه‌های کوفی و تعلیق و... با مضامین مذهبی، ادبی، یا دعایی، نشان‌دهنده اهمیت خطاطی در هنر اسلامی بودند. نقوش هندسی در کاشی‌ها و ظروف زرین‌فام به‌ویژه در دوره ایلخانیان دیده می‌شدند.

۳-۶. عوامل اقتصادی

- **محدودیت‌های اقتصادی:** ممنوعیت استفاده از فلزات گران‌بها در فرهنگ اسلامی، سفالگران را به سمت خلق ظروفی با ظاهر لوکس اما مواد ارزان‌تر (مانند خاک رس و لعاب) سوق داد.
- **تجارت و بازرگانی:** ارتباط تجاری گسترده ایران با چین و دیگر مناطق، مواد اولیه و روش‌های جدید را وارد کرد. تولید انبوه این سفال‌ها در شهرهای کلیدی مانند کاشان و ری، نشان‌دهنده اقتصاد پویای این مناطق بود.
- **رکود و احیا:** تهاجم مغولان در قرن هفتم هجری باعث رکود موقت در تولید سفال شد، اما در دوره ایلخانیان، با حمایت حکام از هنرمندان و بازسازی بناها، صنعت سفالگری و کاشی‌سازی احیا شد. این حمایت اقتصادی به تولید دوباره سفال زرین‌فام کمک کرد.

۴-۶. عوامل فناوری

- **روش لعاب زرین‌فام:** این روش شامل دو مرحله پخت بود: ابتدا سفال با لعاب پایه پخته می‌شد، سپس با استفاده از ترکیباتی مانند اکسید نقره، اکسید مس، و گل اخرا، نقوش روی لعاب سرد نقاشی شده و در کوره‌ای با اتمسفر کاهش‌یافته (مونوکسید کربن) دوباره پخته می‌شد. این روش باعث ایجاد جلای فلزی و درخشش رنگین‌کمائی می‌شد.
- **استفاده از نانوذرات:** پژوهش‌های اخیر نشان داده که درخشش سفال زرین‌فام به‌دلیل استفاده از نانوذرات نقره (برای رنگ طلایی) و مس (برای رنگ سرخ) در لعاب است. این کشف نشان‌دهنده دانش پیشرفته ایرانیان در فناوری نانومتری، حتی در قرون وسطاست.
- **نوآوری در مواد و ابزار:** استفاده از خمیر شیشه یا خاک چینی در دوره‌های متأخر (مانند صفوی) و تغییر در فرمول لعاب‌ها، نشان‌دهنده پیشرفت‌های فنی در سفالگری بود. رساله ابوالقاسم عبدالله کاشانی (سده ششم هجری) جزئیات این روش‌ها را شرح داده است.

سفال زرین‌فام کاشان به‌شدت وابسته به تعادل بین حفظ اصالت سنتی و پذیرش نوآوری‌های مدرن است. سناریوی تحول، با تمرکز بر فناوری، بازاریابی جهانی، و همکاری‌های بین‌المللی، می‌تواند این هنر را به یک برند جهانی تبدیل کند، درحالی‌که سناریوی رشته‌ای با تأکید بر پایداری و بازارهای تخصصی، از انقراض آن جلوگیری می‌کند.

۷. تحلیل آثار عباس اکبری براساس مؤلفه‌های آلن دیتور

- عباس اکبری به‌عنوان یک هنرمند معاصر، نقش مهمی در ترویج سفال زرین‌فام کاشان ایفا کرده است. آثار او به چند دسته تقسیم می‌شوند:
۱. **تقلید از آثار گذشته:** برخی از آثار اکبری (مانند کاسه شبیه‌سازی‌شده زرین‌فام در (تصویر ۴) مستقیماً از نقوش و فرم‌های سده‌های میانه اسلامی (مانند بشقاب سفالی سبک کاشان در تصویر ۵) الهام گرفته‌اند. این آثار نشان‌دهنده تلاش برای حفظ اصالت و تکنیک‌های سنتی هستند.
 ۲. **نوآوری در طراحی:** در برخی آثار (مانند بشقاب زرین‌فام تصویر ۶)، اکبری از خط تعلیق به‌صورت تجسمی و ناخوانا استفاده کرده و نقوش مدرن را با لعاب زرین‌فام ترکیب کرده است. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش برای پاسخ به نیازهای معاصر و جذب مخاطبان جدید است.
 ۳. **کاربردهای جدید:** آثار اکبری در قالب کاشی، حجم، و چیدمان ارائه شده‌اند که نشان‌دهنده تنوع در کاربرد زرین‌فام و تلاش برای ورود به فضاهای هنری مدرن (مانند موزه گویویی ایتالیا) است.

آلن کایگر اسمیت و گرگ دیلی هر دو بر تعادل بین سنت و نوآوری در آثار اکبری تأکید کرده‌اند. این تعادل، اکبری را به یکی از پیشگامان ساخت و ترویج زرین‌فام تبدیل کرده است. به‌ویژه، استفاده از خط تعلیق به‌صورت تجسمی و بدون تأکید بر محتوای مفهومی، نشان‌دهنده رویکردی مدرن به هنر سنتی است که می‌تواند مخاطبان جهانی را جذب کند.

آثار عباس اکبری، به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از تداوم زرین‌فام در روزگار معاصر، در سه دسته بازآفرینی، نوآورانه و کاربردی قابل تحلیل است. آثار بازآفرینی او با تکیه بر تکنیک‌ها، نقوش و ساختارهای اصیل کاشان، استمرار روندهای تاریخی این هنر را نمایان می‌سازند و تصویری پایدار از آینده‌ای مبتنی بر صیانت از میراث ارائه می‌کنند. در مقابل، آثار نوآورانه با بازیگری در فرم، رنگ و سازمان‌دهی نقش، به تحولات ذائقه مخاطب و رویدادهای معاصر هنرهای تجسمی واکنش نشان می‌دهند و امکان‌های تازه‌ای برای بازآفرینی زرین‌فام در بستر امروز فراهم می‌کنند. آثار کاربردی نیز با ورود به عرصه مصرف روزمره، پیوند میان «اقدام» و «روند» را تقویت کرده و نشان می‌دهند که زرین‌فام می‌تواند در اقتصاد فرهنگی و بازار صنایع دستی نقش فعالی ایفا کند. این مقایسه نشان می‌دهد که اکبری در عین وفاداری به سنت، تصویری متناسب با مخاطب امروزی از این تکنیک ارائه می‌دهد.

۸. نتیجه‌گیری

سفال زرین‌فام نه‌تنها یک دستاورد هنری، بلکه بازتاب‌دهنده شرایط فرهنگی (تأثیرات اسلامی و ادبی)، اجتماعی (پیدایش طبقه متوسط و زندگی درباری)، اقتصادی (تجارت و محدودیت‌های مالی)، و فناوری (روش‌های پیشرفته لعاب و نانوذرات) در ایران است. نقوش متنوع این سفال‌ها، از گیاهی و انسانی تا کتیبه‌ای و هندسی، به‌عنوان اسنادی مصور، جنبه‌های مختلف زندگی در دوره‌های اسلامی را به تصویر می‌کشند. با بررسی‌ها انجام‌شده براساس اسناد بالادستی دریافت شد که چهار عامل مهم فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری در سفال کاشان پیش‌تر بیان شد، مشهود است. تبیین چهار عامل براساس مؤلفه‌های دیتور براساس موارد زیر در جدول ۱ بیان می‌شود:

جدول ۱: تبیین عوامل دیتور بر سفال زرین‌فام کاشان

مؤلفه‌های دیتور	اجتماعی	فناورانه	اقتصادی	فرهنگی
روند	ورود محصولات چینی و پاسخ به سلیقه اروپاییان؛ واردات بی‌رویه محصولات ارزان و باکیفیت؛ کاهش استادکاران؛ افزایش مشارکت زنان و جوانان	بهبود روش‌های لعاب‌کاری؛ استفاده از طراحی دیجیتال	ظروف زرین و سیمین گران‌بها بودن و تمایل برای ظروف ارزان‌تر، رشد بازارهای آنلاین؛ افزایش تقاضا برای محصولات لوکس	تمایل نداشتن به اشیای سیمین و زرین؛ افزایش علاقه به ظروف سفالی با فرم و نقش متنوع و اصیل ایرانی
رویداد	راه‌اندازی دوره‌های آموزشی دانشگاهی؛ مهاجرت معکوس جوانان	ایجاد پلتفرم آنلاین اختصاصی؛ استفاده از کوره‌های پیشرفته	کاهش محدودیت‌های صادراتی؛ جشنواره‌های محلی؛ ارائه تسهیلات بانکی	ثبت جهانی زرین‌فام در یونسکو؛ برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی
اقدام	آموزش نسل جدید؛ کمپین‌های رسانه‌ای؛ جذب گردشگر	ایجاد آزمایشگاه لعاب؛ چاپ سه‌بعدی قالب‌ها	تشکیل تعاونی‌ها؛ برندسازی با بسته‌بندی نفیس؛ افزایش درآمد ملی	همکاری با موزه‌ها؛ برگزاری جشنواره زرین‌فام
تصاویر آینده	ایجاد پارک فناوری تولید سفال کاشان، تداوم تولید در کارگاه‌های کوچک	تولید ظروف جدید با فناوری نانو، کوره‌های هوشمند با کنترل دمای دقیق، طراحی دیجیتال نقوش سنتی، استفاده از اسکن سه‌بعدی برای بازسازی آثار تاریخی زرین‌فام	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و برند شدن کارگاه‌ها کوچک	ترویج دوباره هنر زرین‌فام به‌عنوان یک نماد هویت ایرانی

بر این اساس برخی از راهکارهای توسعه ظروف سفالی زرین فام کاشان در جدول (۲) ارائه شده‌اند.

جدول ۲: اقدامات پیشنهادی برای توسعه و حفظ زرین فام کاشان

توضیحات	نمونه	عوامل	اقدامها
بازطراحی نقوش سنتی مانند: اسلیمی و ختایی با کاربری مدرن	تولید ظروف خلاقانه در کارگاه‌های کاشان (مانند آثار عباس اکبری)	فرهنگی: حفظ هویت اجتماعی: افزایش گرایش جامعه به محصولات هویت‌محور اقتصادی: بازار لوکس فناوریانه: نرم‌افزارهای طراحی	احیای نقوش و فرم‌های اصیل با رویکرد معاصر
بهبود کیفیت لعاب کاری و پخت با کوره‌های مدرن	پژوهش‌های تخصصی درباره لعاب زرین فام	فرهنگی: حفظ اصالت اجتماعی: ارتقای آگاهی عمومی درباره هنرهای سنتی اقتصادی: کاهش هزینه فناوریانه: کوره‌های پیشرفته	توسعه فناوری تولید لعاب و کوره‌های پخت
ایجاد کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای نسل جدید	برگزاری ورک‌شاپ‌های تکنیک زرین فام در کاشان	فرهنگی: انتقال میراث اجتماعی: مشارکت جامعه در یادگیری و احیای هنرهای بومی اقتصادی: اشتغال‌زایی فناوری: آموزش دیجیتال	آموزش و ترویج مهارت‌های سفالگری
عرضه محصولات در پلتفرم‌های آنلاین و نمایشگاه‌های بین‌المللی	فروش ظروف زرین فام به‌عنوان هدایای نفیس سازمانی	فرهنگی: معرفی هنر ایرانی اجتماعی: افزایش تقاضای عمومی برای محصولات هنری اصیل اقتصادی: افزایش صادرات فناوری: فروش آنلاین	بازاریابی و برندسازی
طراحی ظروف کاربردی الهام‌گرفته از فرم‌های تاریخی	سرویس‌های غذاخوری با نقوش شکارگاه در رستوران‌های سنتی	فرهنگی: تطبیق با نیاز مدرن اجتماعی: ترویج استفاده روزمره از هنر سنتی در سبک زندگی اقتصادی: افزایش فروش فناوری: قالب‌گیری	تولید ظروف کاربردی با فرم‌های سنتی
بازتولید آثار تاریخی با حمایت نهادهای فرهنگی	بازسازی و همانندسازی ظروف زرین فام کاشان	فرهنگی: آگاهی عمومی اجتماعی: تقویت حس تعلق اجتماعی به میراث فرهنگی اقتصادی: جذب سرمایه فناوری: اسکن سه‌بعدی	همکاری با موزه‌ها و مراکز فرهنگی

نمونه مورد مطالعه این پژوهش، آثار زرین فام عباس اکبری، به عنوان یکی از برجسته ترین تولیدات معاصر، نشان می دهد که این تکنیک تاریخی همچنان ظرفیت بالایی برای تداوم، رشد و نوآوری دارد. بازآفرینی خلاقانه نقوش و فرم های گذشته در کنار تلاش این هنرمند و سایر هنرمندان فعال در این حوزه، برای آموزش و معرفی زرین فام در سطح ملی و بین المللی، گواهی بر امکان ترویج پویا و معنادار این هنر است. براساس عوامل شناسایی شده در این پژوهش، تقویت زیرساخت های آموزشی، بهره گیری از فناوری های نوین، توسعه بازاریابی دیجیتال و حمایت های نهادی می تواند مسیر پایداری برای آینده زرین فام کاشان ترسیم کند. هرچند آینده همواره با عدم قطعیت همراه است، اتکا به تجربیات تاریخی و تحلیل روندهای کنونی، امکان ارائه راهکارهایی مؤثر برای صیانت و توسعه فرهنگ غنی ایرانی را فراهم می سازد. در این میان، داده ها و شواهد برگرفته از گذشته و حال، به مثابه نشانه هایی راهبردی، می توانند جهت گیری آینده را روشن کنند و نشان دهند که آینده پژوهی ابزاری کارآمد برای حفاظت و ارتقای میراث فرهنگی ملموس و ناملموس ایران و تقویت نقش آن در معرفی تمدن ایرانی در عرصه های بین المللی خواهد بود.

پی نوشت ها

1. Trends
2. Events
3. Images
4. Actions

منابع

- آن، جیمز ویلسون. (۱۳۸۳). سفالگری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- انتینگهاوزن، ریچارد، و گرابر، الگ. (۱۳۷۸). هنر و معماری اسلامی. ترجمه یعقوب آژند. تهران: سمت.
- اسماعیل پور، علی و عرب بافرانی، محمدرضا. (۱۴۰۱). فراتحلیل روش سناریونویسی در آینده پژوهی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۳ (۲)، ۹۵-۱۴۰.
- اکبری، عباس. (۱۳۹۲). ظرف. بی جا: نشر پیکره.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران. (۱۳۸۶). نواندیشی برای هزاره نونین؛ مفاهیم، روش ها و ایده های آینده پژوهی. ترجمه عقیل ملکی فر، سید احمد ابراهیمی و وحید وحیدی مطلق. تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بلوم، جانانان، و بلر، شیلدا. (۱۳۸۳). هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی: دوره ایلخانان و تیموریان. طبع و نشر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- حسینی، سید هاشم و فرخفر، فرزانه. (۱۴۰۱). سفالینه زرین فام عصر صفوی: بازشناخت فرم، طرح و مراکز ساخت. نگره، ۱۷ (۶۲)، ۷۹-۹۵.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رایگانی ابراهیم، و پاکباز کنج، داود. (۱۳۹۷). بررسی نقوش سفالینه های زرین فام و ظروف فلزی دوره سلجوقی و ایلخانی و بازتاب زندگی اجتماعی آن عصر. نگره، ۱۳ (۴۷)، ۲۸-۴۵.
- زکریایی کرمانی، ایمان، و رحیمی، افسانه. (۱۴۰۰). آینده پژوهی هنر گیوه بافی شهرستان دهقان. هنرهای صناعی ایران، ۴ (۲)، ۷-۳۷-۵۰.
- زیاری، کرامت الله، ربانی، طاهار، و ساعدموچشی، رامین. (۱۴۰۱). آینده پژوهی: پارادایمی نوین در برنامه ریزی با تأکید بر برنامه ریزی شهری و منطقه ای (مبانی، مفاهیم، رویکردها و روش ها). تهران: دانشگاه تهران.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۵). بررسی سفالینه های منقوش به کتیبه در موزه ایران باستان. کتاب ماه هنر، شماره ۱۰۱ و ۱۰۲، ۲۶-۳۵.
- طاهری دمنه، محسن. (۱۳۹۷). تحلیلی آینده پژوهانه در بن مایه های سازنده تصاویر آینده. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۸ (۴۵)، ۲۹-۶۵.

عناستانی، علی اکبر، بهادری امجز، فرخ لقا و توکلی نیا، جمیله. (۱۴۰۲). تبیین سناریوهای اثرگذاری رهیافت رشد هوشمند بر پایداری سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: شهرستان جیرفت. توسعه و جغرافیا. ۲۱ (۷۱)، ۳۳-۶۵.

کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. (۱۳۸۶). عرایس الجواهر و نفایس الاطائب. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات لامعی.

نصری، اسماعیل. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی فرم و نقش سفالینه‌های زرین فام سلجوقی و ایلخانی با نمونه‌های دوران متأخر (صفوی و قاجار). مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، ۲ (۴)، ۵۳-۷۵.

نیکخواه، هانیه، و شیخ مهدی، علی. (۱۳۸۹). رهیافتی به سیاست‌های فرهنگی ایلخانان در سده سیزدهم / هفتم در واکاوی نقوش سفال‌های زرین فام ایران. مجله مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۳، ۱۰۹-۱۲۹.

محمدزاده میانجی، مهناز. (۱۳۹۲). سیر تاریخ زرین فام در جهان. تهران: انتشارات سروش با همکاری دانشگاه الزهرا (س).

معین، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.

میرشفیعی، سید محمد، و محمدزاده، مهدی. (۱۳۹۴). ساخت لعاب زرین فام ایرانی براساس کتاب جواهرنامه نظامی. نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۲۰ (۱)، ۵۹-۶۶.

میرشفیعی، سید محمد. (۱۳۹۵). جایگاه سفال زرین فام در دوران معاصر و معرفی هنرمندان پیشگام در زمینه احیای آن. نخستین همایش بین‌المللی هنر و صناعات در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی با تأکید بر هنرهای رو به فراموشی. ۱-۱۶.

واتسون، الیور. (۱۳۸۲). سفال زرین فام ایرانی. ترجمه عبدالله فریار. تهران: سروش.

Caiger- Smith, A. (1985). *Luster pottery: Technique, Tradition and Innovation in Islamic and the Western World*. London : Faber & Faber.

Dator, J. (1996). "Futures studies as applied knowledge", edited by Richard A. Slaughter. *New thinking for a new millennium*. London.

Fehervari, G. (2000). *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*. London : I.B. Tauris.

URL1 : [https://search.eitaa.com/?url=https://collections.vam.ac.uk/item/O3667/cup-unknown/\(1403/2/29\)](https://search.eitaa.com/?url=https://collections.vam.ac.uk/item/O3667/cup-unknown/(1403/2/29))

URL2 : [https://search.eitaa.com/?url=https://collections.vam.ac.uk/item/O85371/bowl-unknown/\(1403/2/29\)](https://search.eitaa.com/?url=https://collections.vam.ac.uk/item/O85371/bowl-unknown/(1403/2/29))

URL3 : [https://asia.si.edu/explore-art\(1403/3/15\)](https://asia.si.edu/explore-art(1403/3/15))

An Explanation of Future-Building Factors Influencing the Preservation and Development of Lustre Pottery in Kashan (Based on James Allen Dator's Components)

Zahra Amani

PhD Candidate, Department of Islamic Art, TarbiatModares University, Tehran, Iran/
zahra.amani@modares.ac.ir

Mahnaz Shayestehfar

Associate Professor, Department of Islamic Art, TarbiatModares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)/ shayesteh@modares.ac.ir

IrwanSyah Md Yusoff

Assistant Professor, Department of Industrial Design, Universiti Putra Malaysia, Serdang, Selangor, Malaysia/ irwansyah@upm.edu.my

SahraKosari

Assistant Professor, Department of Futures Studies in Science and Technology, National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran/ kosari@nrsp.ac.ir

Received: 29/03/2025

Accepted: 14/07/2025

Introduction

Iran is regarded as one of the most important cradles of pottery in the Islamic world. With the advent of Islam and a cultural shift from ostentation toward simplicity, certain functions of costly metal vessels were transferred to ceramics, including lustreware. Among the pottery-producing centers, the city of Kashan attained a distinguished position in the development of lustreware. Accordingly, the present study seeks to explain the factors influencing the preservation and development of Kashan lustreware through a futures-studies approach. Today, this art faces challenges such as the decline in master artisans, limitations in knowledge transmission, shifts in audience preferences, and competition with industrial products. Under such circumstances, futures studies can serve as an effective tool for analyzing the current situation. Dator's approach, with its focus on the trends, events, images of the future, and actions, provides a framework for understanding possible futures. As an example, the works of Abbas Akbari, selected as an active artist in this technique in the city of Kashan, were examined to analyze the connection between tradition and innovation in the contemporary context.

Materials and Methods

This qualitative research is applied in terms of its purpose and was conducted using a descriptive-analytic method, with its data collected through documents and observations. The data analysis carried out through a futures-studies approach. This approach was based on James Allen Dator's components, which identified trends, events, images, and actions for the purpose of outlining future scenarios. Dator emphasizes the importance of studying the future and believes that people should be prepared to confront various possible futures. Given that the focus of this research was on the city of Kashan, among contemporary artists, the works of an artist active in the production and promotion of lustreware in Kashan were selected for study. This paper seeks to enhance preparedness for shaping desirable futures and aims through examining trends, events, and related images and actions so as to provide appropriate solutions by presenting compatible scenarios. This requires creative thinking and interdisciplinary collaboration so that effective strategies for preserving culture and identity can be offered.

مجله هنرهای صناعی ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال هشتم، شماره ۱، پیاپی ۱۴

بهار و تابستان ۱۴۰۴

Results and Findings

The components of Dator in this research include various factors, the most important of which in the trends and events section are as follows:

- Cultural Factors
 - Religious and ideological influences
 - Symbolism and motifs
 - Intercultural influences

- Social Factors
 - The emergence of the middle class
 - The reflection of social life

- Economic Factors
 - Economic constraints
 - Trade and commerce
 - Recession and revival

- Technological Factors
 - Lustreware technique
 - Use of nanoparticles
 - Innovation in materials

In the actions and images section, which follows the previous two components, the scenarios derived from the analysis of factors influencing the preservation and development of Kashan lustreware were presented based on Dator's components and the identified drivers.

- a) Continued growth scenario: the growth scenario refers to a future in which existing trends continue without fundamental structural changes, and the system that relies on increased production, consumption, and expansion of activities, follows a path of quantitative development.
- b) Collapse scenario: this scenario depicts a future in which Kashan lustreware will gradually disappear due to the lack of support, declining interest among younger generations, and the competition with industrial products, becoming limited to a museum-based or obsolete art.
- c) Transformation or discipline scenario: this scenario encompasses sustainability and standardization, technological innovation, specialized and global markets, institutional support, and international cooperation. In this future, Kashan lustreware is recognized as an authentic, rare, and simultaneously modern and global cultural-artistic product. This art, while preserving its historical roots, attains a stable and valuable position among both specialized and general audiences through innovation and intelligent presence in global markets. This scenario is more desirable than the previous two.

Based on Allen Dator's components, the works of Abbas Akbari illustrated the imitation of past works, innovation in design, and new applications. As mentioned in the text, Alan Caiger-Smith and Greg Daly both had emphasized the balance between tradition and innovation in Akbari's works. This balance transfigured Akbari into a pioneer in the production and promotion of lustreware. In particular, the use of ta'liq script in a visual manner without emphasis on conceptual content demonstrated a modern approach to traditional art that can attract global audiences.

Therefore, It can be noted that Kashan lustreware is highly dependent on maintaining a balance between preserving traditional authenticity and embracing modern innovations. The transformation scenario, with its focus on technology, global marketing, and

international collaboration, can turn this art into a global brand, while the discipline scenario, with its emphasis on sustainability and specialized markets, prevents its extinction.

Conclusion

Lustreware is not only an artistic achievement but also a reflection of cultural, social, economic, and technological conditions in Iran. Based on the analyses conducted in this research, it was determined that four major cultural, economic, social, and technological factors are evident in Kashan pottery. The explanation of these four factors based on Dator's components is presented according to the items shown in Table (1).

Table 1: Explanation of the factors of Dator on Kashan's Lustre Pottery

Dimension	Social	Technological	Economic	Cultural
Trend	The entry of Chinese products and responding to European tastes; Excessive import of cheap, high-quality products; Reduced craftsmen; Enhanced participation of women and youth	Improved glazing methods; Using digital design	The expensiveness of gold and silver utensils and tendency to cheaper utensils, the growth of online markets; increasing demand for luxury products	Disinterest in silver and gold objects; increased interest in pottery with diverse and authentic Iranian forms and patterns
Event	Holding academic training courses; Reverse migration of youth	Creating a dedicated online platform; Using advanced kilns	Reducing export restrictions; holding local festivals; Providing bank's loans	Global registration of the Iranian Lustre Pottery technique with UNESCO; holding international exhibitions
Action	Educating the new generation; holding media campaigns; attracting tourists	Establishing a glaze laboratory; Using 3D printing of molds	Forming cooperatives; branding using exquisite packaging; increasing national income	Collaborating with museums; holding the Lustre Pottery festival
Vision	Creating Kashan's pottery production technology park, continuing pottery production in small workshops	Producing new utensils using nanotechnology, smart kilns with precise temperature control, and digital design of traditional motifs, using 3D scanning to reconstruct historical Lustre Pottery works	Private sector investment and branding of small workshops	Re-promoting the Lustre Pottery art as a symbol of Iranian identity

Based on this, some strategies for the development of Kashan lusterware pottery are presented in Table (2).

Table 2: Proposed actions for the development and preservation of Kashan lusterware

Actions	Factors	Example	Descriptions
Reviving original motifs and forms with a contemporary approach	Cultural: Maintaining identity Social: Increasing society's tendency to identity-based products Economic: Luxury goods market Technological: Design software	Producing creative utensils in Kashan's workshops (such as Abbas Akbari's works)	Redesigning traditional motifs such as: Arabesque and Khatai (floral) with modern use
Developing technology for glaze production and firing kilns	Cultural: Maintaining authenticity Social: Promoting public awareness of traditional arts Economic: Reducing costs Technological: Using advanced kilns	Specialized research on Lustre Pottery glaze	Improving the quality of glazing and firing with modern kilns
Teaching and promoting pottery skills	Cultural: Cultural transmission Social: Enhancing community participation in learning and revitalizing indigenous arts Economic: Job creation Technology: Digital education	Holding Lustre Pottery technique workshops in Kashan	Holding workshops and training courses for the new generation
Marketing and Branding	Cultural: Introducing the Iranian art Social: Increasing public demand for authentic artistic products Economic: Increasing exports Technology: Online sales	Selling Lustre Pottery dishes as elegant corporate gifts	Offering products on online platforms and in international exhibitions
Manufacturing applied utensils with traditional forms	Cultural: Adapting to modern needs Social: Promoting the daily use of traditional art in lifestyle Economic: Increasing sales Technology: Molding	Using hunting ground-decorated table services in traditional restaurants	Designing applied utensils and dishes inspired by historical forms
Collaborating with museums and cultural centers	Cultural: Enhancing public awareness Social: Strengthening the sense of social belonging to cultural heritage Economic: Attracting capital Technology: 3D scanning	Reconstructing and replicating Kashan's Lustre Pottery utensils and dishes	Reproducing historical utensils and dishes with the support of cultural institutions

مجموعه آثار
پیرایه‌ها

تبیین عوامل آینده‌ساز مؤثر
بر حفظ و توسعه ظروف
سفالین زرین‌فام کاشان...
زهرا امانی و همکاران.
۲۵-۲۲۹

The case study of this research, the lusterware works of Abbas Akbari, as one of the most prominent contemporary productions, demonstrates that this historical technique still possesses a high capacity for continuity, growth, and innovation. The creative re-creation of past motifs and forms, alongside the efforts of this artist and other practitioners active in this field to teach and introduce lusterware at the national and international levels, attests to the possibility of a dynamic and meaningful promotion of this art. The identified factors—strengthening educational infrastructures, utilizing modern technologies, developing digital marketing, and institutional support—can outline a sustainable path for the future of Kashan lusterware. Although the future is always accompanied by uncertainty, by reliance on historical experiences, the analysis of current trends enables the provision of effective strategies for safeguarding and developing the rich Iranian cultural heritage.

Keywords: lusterware pottery, futures studies, James Allen Dator, Kashan pottery.

Reference

- Akbari, A. (2013). *Zarf*. Tehran: Peykareh Publishing. [in Persian]
- Allen, J. W. (2004). *Islamic pottery* (Trans. M. Shayesteh-far). Tehran: Institute of Islamic Art Studies. (in Persian)
- Anabestani, A. A., BahadoriAmjaz, F., & Tavakoli-Nia, J. (2023). Scenario analysis of smart growth approach on sustainability of rural settlements: A case study of Jiroft county. *Geographical Development*, 21(71), 33–65. <https://doi.org/10.22111/gdij.2023.7589>.
- Asgarian, M. A., & Cheraghi, Z. (2015). Kashan pottery in travelogues (from the Middle Ages to the end of Qajar era). *Second National Conference on Iranian Archaeology*, 1-10.
- Bloom, J., & Blair, S. (2004). *The art and architecture of Islam in Iran and central Asia: Ilkhanid and Timurid periods* (Vol. 1). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Caiger-Smith, A. (1985). *Luster pottery: Technique, tradition and innovation in Islamic and the Western world*. London: Faber & Faber.
- Dator, J. (1996). Futures studies as applied knowledge. In R. A. Slaughter (Ed.), *New Thinking for a New Millennium: The Knowledge Base of Futures Studies* (pp. 105–114).
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Esmailpour, A., & ArabBafarani, M. R. (2022). Metaanalysis of scenario writing methods in futures studies. *Islamic Revolution Futures Studies*, 3(2), 95–140. [in Persian]
- Ettinghausen, R., & Grabar, O. (1999). *The art and architecture of Islam* (Trans. Y. Azhang). Tehran: SAMT.
- Fehérvári, G. (2000). *Ceramics of the Islamic world in the Tareq Rajab Museum*. London/New York: I.B. Tauris.
- Hosseini, S. H., & Farrokhsfar, F. (2022). Lusterware of the Safavid era: Forms, motifs, and production centers. *Negareh*, 17(62), 79–95. <https://doi.org/10.22070/negareh.2021.5723.2570>. [in Persian]
- Kashani, A. A. (2007). *Ara'is al-Jawahirwa Nafais al-Atayeb* (Ed. I. Afshar). Tehran: Al-Ma'i Publishing. [in Persian]
- Mirshafiei, S. M. (2016). The place of lusterware in the contemporary era and introduction of pioneering revival artists. *First International Conference on Arts and Crafts in Iranian-Islamic Civilization*, 1–16.
- Mirshafiei, S. M., & Mohammadzadeh, M. (2015). Making Iranian luster glaze based on the book "Jawahernama-ye Nezami". *Fine Arts-Visual Arts*, 20(1), 59–66. <https://doi.org/10.22059/jfava.2015.55445>. [in Persian]
- Mohammadzadeh-Mianji, M. (2013). *The history of lusterware in the world*. Tehran: Soroush & Al-Zahra University.
- Mo'in, M. (2006). *Persian dictionary* (Vol. 2). Tehran: Amir Kabir Publishing. [in Persian]
- Nasri, E. (2020). An introduction to the formation of Iranian lusterware in the Islamic era. *Peykareh*, 9(21), 11–24. <https://doi.org/10.22055/pyk.2020.16544>. [in Persian]
- Nasri, E. (2023). Comparative study of form and motifs of Seljuk and Ilkhanid lusterware with later periods (Safavid and Qajar). *Islamic Archaeology Studies*, 2(4), 53–75. <https://doi.org/10.22080/jiar.2023.23891.1031>. [in Persian]
- Raygani, E., & Pakbaz-Katadj, D. (2018). Motifs of lusterware and metal vessels in Seljuk and Ilkhanid periods and their reflection of social life. *Negareh*, 13(47), 28–45. <https://doi.org/10.22070/negareh.2018.2558.1685>. [in Persian]
- Shayestehfar, M. (2006). Study of inscribed lusterware in the National Museum of Iran. *Ketab-e Mah-e Honar*, 101–102, 26–35. [in Persian]
- Slater, R., et al. (2007). *New thinking for the new millennium: Concepts, methods and ideas of futures studies*. Translated by A. Malekifar, S. A. Ebrahimi, & V. Vahidi Motlagh. Tehran: Center for Futures Studies of Science & Technology.

- Taheri Damaneh, M. (2018). A futuresoriented analysis of the foundations of images of the future. *Strategic Studies of Public Policy*, 8(29), 45–65.
- Watson, O. (2003). *Iranian lusterware* (Trans. A. Faryar). Tehran: Soroush. (in Persian)
- ZakariaeiKermani, I., & Rahimi, A. (2021). Futures studies of Givewhweaving in Dehaghan county. *Iranian Industrial Arts*, 4(2), 37–50. <https://doi.org/10.22052/hsi.2022.246119.1006>.
- Ziyari, K., Rabani, T., & Saed-Moucheshi, R. (2022). *Futures studies: A new paradigm in planning with emphasis on urban and regional planning*. Tehran: University of Tehran.

مناظر
پرهیز از
ایرا

تبیین عوامل آینده‌ساز مؤثر
بر حفظ و توسعه ظروف
سفالین زرین‌فام کاشان...
زهرا امانی و همکاران.
۲۵-۲۲۹